

بگنڈیپ انسا درووا انعام گنڈیپ
← سزین کا خارش کی

کور کی تلب ← تلب کا سیدار دینا
← استعمال دینا

ویران کنر تصور کی کنہ
کہ دین دانہ باران را
لی ترانہ بہ محض در سادہ



رہنہ ہونی اسکا
مہنگا کی مہنگا
بہ ہونے

تعمای انسانی الهی
آزرد دانه که تو صد
رتبری در سراسر عالم
رسان تمالی انسان ها
گسترده شود.

انسان

نما

گسترده شود
انجمن پندین

انجمن پندین

سپس خوارگی انسانها

و این ارزو حاصل

نستجه ایجا
روان ایجا

مگر

نظر میں

اضافہ

ازدواجی

اگر خداوند در این سرور دعوت به

تعالی رحمت را ایستادگی بردن

امی کی کند، به لیل رحمت خداوند است

بدرحاکم تو مہ کی ہے
تسبیب
ہم کی لکھن
در

زنتی عور، رضادری، عباتسی

در کتاب نه ایهت شد، بگردید، کمالی برای مسوئلی خود دارد

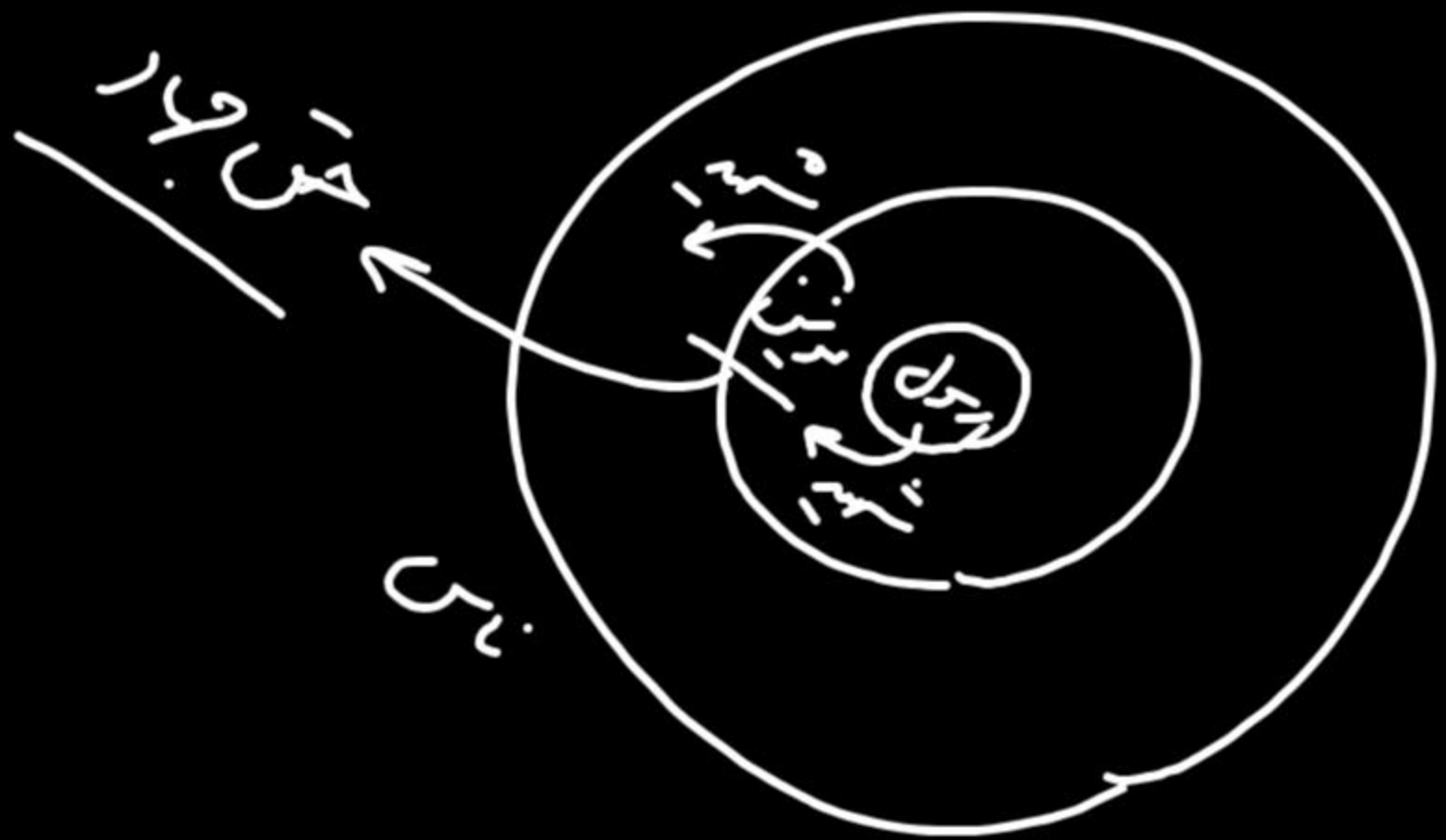
عزیزانم
از احباب

برای اندک ترمه در تنگی در عالم کسود شود فدا دند

از میان مردم، انبار برگزیده و سهام برین را آنگاه کرد

تا اینچنین ترمه در عالم کسود شود.

شهرت و نام



سرد جمع بر منان از به حق چهار دعوت می کند
نیکو ← سال

تا به سن ترتیب شاه بر تبه ردم باشند تا تو صد رهنوی

در عالم سرده شود

حقی جهاد / شهید / نوا

توای جهانی

تسال

مندیج